



عواملی که در گذشته ایران را تهدید تصور می‌کرد، از میان رفته است. کشور روابط دوستانه‌ای با عموم کشورهای منطقه از جمله عربستان و قطر و... دارد و احساس تهدید کمتری از طرف ایران وجود دارد. این روند باعث شد اسرائیل در تولید و تقویت ایده «ایران هراسی» تنها بماند

خارجی چندوجهی به نفع کشور است؛ یعنی یک نوع توازن در سیاست خارجی بر پایه رابطه با همه بخش‌های دنیا به نفع کشور است، هم نزدیکی نیست.

ببینید کشور برای دوره‌های کوتاه‌مدت می‌تواند در روابطش با یک کشور یا با یک جهت از جهات سیاست بین‌الملل دچار تنش باشد اما در طولانی‌مدت، یک‌سویه بودن سیاست خارجی کشور به نفع آن نیست و منافع و مصالح را تأمین نمی‌کند.

این امر به دلیل مختصات دنیای امروز است. همان‌طور که دنیای امروز دنیای دوقطبی نیست، دنیای دوره موازنه قوا در

بسیار پیچیده‌ای شکل گرفته است. این از طرف دیگر پیچیدگی و دشواری کار را به خصوص در سالی که برای ایران خیلی حیاتی است، افزایش می‌دهد؛ زیرا زمان غروب برج‌ها می‌رسد و احتمال اجرای مکانیزم «اسنپ‌بک» هم مطرح شده که بسیار موضوع حساسی است. دست‌اندرکاران این مسأله در کشور به این موضوع توجه دارند و فکر می‌کنم بویژه از ابتدای سال ۱۴۰۴ باید این پرونده در دستور کارشان باشد؛ زیرا همین الان هم تحریم‌ها مشکلات زیادی برای کشور ایجاد کرده و تأثیر آن در زندگی اجتماعی و زندگی اقتصادی مردم محسوس است. این در حالی است که کشور به هیچ وجه نباید در دوره طولانی در تحریم باشد زیرا تحریم‌های بلندمدت می‌تواند بیش از گذشته به توسعه اقتصادی آسیب بزند و در درازمدت به عرصه‌های دیگر هم زیان وارد کند. بنابراین این موضوع به صورت جدی در دستور کار سیاست خارجی کشور هست و در سال آینده نیز باید باشد.

آیا روسیه می‌تواند نقش توازن ساز در مذاکره میان ایران و آمریکا داشته باشد؟ وقتی که ساختار گذشته مقداری مخدوش شده است طبیعتاً تعاملات و گفت‌وگوهای دوجانبه می‌تواند تأثیر بگذارد. روسیه هم حتماً ابتکاراتی را در این زمینه دنبال خواهد کرد. روابط ایران هم با روسیه به شکلی است که امکان ارائه چنین ابتکاراتی را می‌دهد. اما اینکه نهایتاً در چه چهارچوبی سامان خواهد یافت و به چه شکلی پیش خواهد رفت، به عوامل و مسائل زیادی وابسته است که باید منتظر باشیم و در هفته‌های آینده ببینیم.

بعد از آغاز تلاش روسیه برای میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای و مناسبات نزدیک این کشور با ایران، به نظر می‌رسد در سطح داخلی مقاومت و سرسختی کمتری نسبت به نقش میانجی‌گرانه مسکو در مذاکرات وجود داشته باشد. زیرا قاطبه مخالفان مذاکره با غرب بیشتر حامی رویکرد تقویت مناسبات با کشورهای شرق از جمله روسیه و چین هستند. حالا فکر می‌کنید با توجه به این پیش‌زمینه، روسیه می‌تواند به طور سازنده‌ای در این فرآیند میانجی‌گری کند؟

در اینکه اغلب مردم انتظار دارند که سیاست خارجی کشور یک سیاست خارجی چندوجهی باشد و همین سیاست خارجی هم در انتخابات آقای پزشکیان مطرح شد و به آن رأی داده شد، تردیدی نیست. علاوه بر این، در اینکه این سیاست

قرن نوزدهم هم نیست که بشود بر اساس آن چهارچوب‌ها تصمیم گرفت. بنابراین، امروزه کشورهایی در توسعه اقتصادی گوی سبقت رفته‌اند که سیاست چندوجهی اتخاذ کرده‌اند. کشورهایمانند هند، چین، برزیل، آفریقای جنوبی، ترکیه، قطر و امارات این سیاست چندوجهی را تجربه می‌کنند.

بنابراین در اینکه باید هدف‌گیری و نشانه‌گیری کشور این باشد که در درازمدت به یک سیاست خارجی متوازن برسد، تردیدی نیست؛ اما طبیعی است که در یک دوره و برهه خاص، سیاست ویژه‌ای را اتخاذ کند و از همه ابزارها و روش‌ها استفاده کند. روسیه هم چه در عرصه روابط دوجانبه و منطقه‌ای و چه در بحث پرونده هسته‌ای از جمله کشورهایی است که می‌تواند ابتکارش مورد توجه باشد. منتهی در همان چهارچوبی که عرض کردم و در دایره بزرگ‌تر نباید غفلت کرد. از این رو با توجه به مشکلات کشور باید از هر فرصت و مسیری که به حل آن برسد، استفاده کرد.

همه این اتفاقات درحالی جریان دارد که به نظر می‌رسد در پی وقوع اتفاقات خاورمیانه و سقوط بشار اسد و بروز رخدادها برای جبهه مقاومت، یک انگاره خاص از ایران شکل گرفته است؛ انگاره‌ای که آمریکا و اسرائیل در مسیر اجرای سیاست فشار حداکثری خود آن را برجسته می‌سازند. این نگاه بر پایه چه مؤلفه‌هایی در نسبت با ایران برجسته شده است؟

به نکته مهمی اشاره کردید. ما طی دو دهه گذشته در چند نوبت شاهد گسترش انگاره «ایران هراسی» بوده‌ایم؛ یعنی اینکه ایران به عنوان یک تهدید تلقی شود و به این تهدید توسط اسرائیل، آمریکا و گاهی حتی توسط اروپا و همچنین توسط برخی از کشورهای عربی دامن زده می‌شود. خوشبختانه این تصور با فعالیت‌های گسترده‌ای که ایران در منطقه پشت سر گذاشت، به تدریج ضعیف شد و از بین رفت. الان هم معادلات منطقه نسبت به گذشته دچار تغییراتی شده است. عواملی که در گذشته ایران را تهدید تصور می‌کرد، از میان رفته است. کشور روابط دوستانه‌ای با عموم کشورهای منطقه از جمله عربستان و قطر و... دارد و احساس تهدید کمتری از طرف ایران وجود دارد. این روند باعث شد اسرائیل در تولید و تقویت ایده «ایران هراسی» تنها بماند. البته با این تفاوت

